

بازنمایی زن در گفتمان کنش‌گران حقوق زنان در ایران

شیرین محمدی*

آتوسا رستم بیک تفرشی**، یحیی مدرسی***

چکیده

پژوهش حاضر، پژوهشی میان‌رشته‌ای و کاربردی است که حوزه‌های زبان و جنسیت، تحلیل گفتمان و حقوق زنان را با یکدیگر پیوند می‌دهد. هدف پژوهش شناسایی گفتمان‌های رقیب در دو حوزه‌ی ورزش و اشتغال زنان و تحلیل بازنمایی زن با روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه‌ی کیفی و کمی است تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: فعالان حقوق زنان به چه گفتمان‌هایی برای حمایت یا مخالفت با ورزش و اشتغال زنان ارجاع می‌دهند؟ زن در گفتمان‌های رقیب موافق و مخالف ورزش و اشتغال زنان چگونه بازنمایی می‌شود؟ جنسیت سخنران چه تأثیری بر انتخاب‌های واژگانی دارد؟ داده‌های پژوهش پیکره‌ای است که به شیوه‌ی کتابخانه‌ای گردآوری شده و شامل ۱۶ متن سخنرانی (۸ متن موافق و ۸ متن مخالف) در بازه‌ی زمانی ۵ سال اخیر است. سخنرانی‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. بر مبنای نتایج، دو گفتمان اصلی، گفتمان تجددگرا نواندیش و گفتمان سنتی (شامل رویکردهای سنتی خانواده محور، مردسالار، سنتی مذهبی و رویکرد انقلابی) در رقابت هستند. سخنرانان مخالف بیشتر رویکرد سنتی و موافقین، بیشتر رویکرد تجددگرا نسبت به موضوع «زن» و مسائل مرتبط با آن‌دارند، اگرچه موافقین به عناصر گفتمان سنتی نیز ارجاع می‌دهند. زن در گفتمان سنتی، در قالب نقش‌های کلیشه‌ای مادری،

* کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، Shirinmd4@gmail.com

** استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

Atoosa.rostambeik@gmail.com

*** استاد پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ymodarresi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۳

همسری، کدبانوگری، خانه‌داری، فرزندآوری و فرزند پروری و موجودی وابسته به مرد بازنمایی شده و نقش زن در خانواده مورد تأکید قرار می‌گیرد. در گفتمان تجددگرا، علاوه بر نقش زن در خانواده، بر نقش‌های اجتماعی او نیز تأکید می‌شود. در عین حال، دشواریهایی مانند زنا، چشم‌هرزه‌ی هوس‌آلود مرد، تجاوزات جنسی، روسپی‌گری، دلالان جنسی و غیره؛ همچنین واژه‌های ایدئولوژیک مانند عفت و عفاف و ارجاع به سن زن برای ازدواج و واژه انقلاب تنها در گفتمان مردان رخداد داشته است و مردان بیشتر از زنان از واژه‌های اسلام و مسلمان استفاده کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی، زن، گفتمان، ورزش و اشتغال، جنسیت

۱. مقدمه

یکی از مسائل اجتماعی مهم ایران امروز، مسئله‌ی حقوق زنان است که توسط فعالان این رشته، چه زن و چه مرد، به شیوه‌های گوناگون در قالب سخنرانی و مقاله در رسانه‌های نوشتاری و گفتاری در سطح ملی و نیز در شبکه‌های اجتماعی مجازی مطرح می‌شود. در میان مسائل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با زنان، تعارضات نظام ارزشی گروه‌های مختلف اجتماع در نوع نگاه به زن و میزان ارزش‌گذاری در گفتمان برای زنان، باعث بروز تفاوت‌های بارز در انتظارات، هنجارها و نگرش‌ها در قلمرو موضوع زن و تثبیت‌نقش‌های کلیشه‌ای و غیرکلیشه‌ای تعریف شده در جامعه برای اومی‌گردد. بررسی و تحلیل تنازعات گفتمان‌های سنتی و تجددگرا در عرصه‌های مهم، از قبیل نقش زن در خانواده و اجتماع، حقوق زنان، روابط اجتماعی و خانوادگی زنان، مسئولیت‌های خطیر و ارزشمند آنان در جامعه و نظام معنایی که سخنرانان برای تبیین آن‌ها به کار می‌برند، از موضوعات مورد بررسی پژوهش حاضر است. در واقع، تضادهای ارزشی در نگاه به زن در میان موافقان و مخالفان حضور زنان در اجتماع و تحلیل رفتارهای کلامی آنان و هم‌چنین بررسی نظام معنایی رویکردهای سنتی و تجددگرا و دلالت‌های کلامی آنان برای اقناع مخاطب، مسئله‌ی این پژوهش را شکل می‌دهد. موضوع جایگاه زنان در جامعه بازنمایی آن در زبان، مورد توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی و دانشگاهی همچون رشته‌های جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، معنا و نشانه‌شناسی، تاریخ، حقوق زنان و نظریه‌های زبان-شناسی قرار گرفته است. اهمیت این پژوهش نیز در جنبه کاربردی و میان‌رشته‌ای بودن آن است. در پژوهش حاضر با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی و با تحلیل متن سخنرانی‌های

موافقان و مخالفان ورزش و اشتغال زنان تلاش می‌شود. به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: فعالان حقوق زنان از چه گفتمان‌هایی برای حمایت یا مخالفت با ورزش و اشتغال زنان استفاده می‌کنند؟ زن در گفتمان‌های رقیب موافق و مخالف ورزش و اشتغال زنان چگونه بازنمایی می‌شود؟ جنسیت سخنران چه تأثیری بر انتخاب‌های واژگانی سخنران دارد؟ انتخاب سخنرانی با توجه به فعالیت سخنرانان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی صورت پذیرفته است. به این ترتیب، متغیرهای ثابت پژوهش، جنسیت و دیدگاه موافق یا مخالف و متغیرهای وابسته‌ی پژوهش، تفاوت‌های گفتمانی و انتخاب‌های واژگانی را شامل می‌شوند.

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و تحلیل داده‌ها به شیوه کیفی و کمی انجام می‌شود. داده‌ها از نوع پیکره‌ای است که به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای گردآوری شده است تا ۱۶ متن سخنرانی کنش‌گران و فعالان حقوق زنان در ۵ سال اخیر از هر دو جنس زن و مرد (۸ متن موافق و ۸ متن مخالف) از منظر گفتمانی تحلیل شوند. به این ترتیب، متغیرهای ثابت پژوهش، جنسیت و دیدگاه موافق یا مخالف و متغیر وابسته، تفاوت‌های گفتمانی و انتخاب‌های واژگانی است. در این پژوهش نوع گفتمان، بازنمایی زن در گفتمان، ارزش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی و تاثیر متغیر جنسیت بر نگاه و رویکرد سخنرانان مخالف و موافق بررسی می‌شود. علاوه بر این با استفاده از نرم-افزار تحلیل واژه ورداسمیت (نسخه ۶) داده‌های پژوهش به لحاظ کمی نیز تحلیل می‌شود تا واژه‌های پربسامد در گروه‌های موافق و مخالف و نیز زنان و مردان به دست آید.

۳. پیشینه و چارچوب پژوهش

به عنوان یک حیطه پژوهشی، زبان و مطالعات جنسیت یک میان‌رشته‌ای نسبتاً جدید به-شمار می‌آید. تا اواخر دهه ۱۹۹۰ بیشتر پژوهش‌های حیطه زبان‌شناسی اجتماعی در زمینه زبان و جنسیت، بر زبان به عنوان پدیده‌ای که نیازمند توصیف و تبیین است، متمرکز بودند و به پیچیدگی جنسیت توجه چندانی نداشتند (کامرون D. Cameron, ۱۹۹۶)، وداک R. Wodak (۱۹۷۷: ۱۳) می‌گوید جنسیت «مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشخص یک فرد

نیست؛ بلکه آنچیزی است که او انجام می‌دهد». او معتقد است «معنای زن بودن یا مرد بودن از نسلی به نسل دیگر تغییر می‌کند ... و معنای آنها در بین گروه‌های نژادی، قومی و مذهبی و نیز اعضای طبقات اجتماعی مختلف با هم فرق می‌کند. بر اساس چنین دیدگاهی، جنسیت در هر نسلی باید از نو آموخته شود (وارداف، ۱۳۹۳: ۵۰۰). جنسیت چیزی نیست که بتوان از آن پرهیز کرد؛ بلکه بخشی از چگونگی نظم یافتن جهان اطراف ماست، هر جامعه‌ای این نظم را به شیوه‌ی متفاوتی برقرار می‌کند. جنسیت یکی از مؤلفه‌های کلیدی هویت است (همان: ۵۰۱). مطالعات مربوط به حوزه‌ی جنسیت را می‌توان به لحاظ دیدگاه حاکم بر موضوع، به دو دسته کلی تقسیم نمود: مطالعات گونه‌ی جنس و مطالعات جنسیت‌زدگی در زبان. پژوهش‌گران حوزه‌ی جنسیت‌زدگی اهمیت بررسی زبان را به این دلیل می‌دانند که استفاده از اقلام جنسیت‌زده خود می‌تواند فرهنگ حاکم بر آن را در جامعه ترویج داده و بی‌عدالتی‌های حاکم بر گروه‌های جنسی را پرورش دهد.

جنبه‌ی دیگر مطالعات زبان و جنسیت به تفاوت گفتار زنان و مردان توجه دارد. از برجسته‌ترین پژوهش‌گران این حیطه می‌توان به لباو (W. Labov، ۱۹۶۶)، لیکاف (R. Lakoff، ۱۹۷۵) و تانن (D. Tannen، ۱۹۹۰) اشاره کرد. رابین لیکاف معتقد است زبان فی‌نفسه جنسیت‌زده نیست بلکه بازتاب یک اندیشه و باور جنسیت‌زده است. او بیان می‌کند زبان انعکاس‌دهنده‌ی کلیشه‌هاست و بر بقای آنها تأثیر دارد. لیکاف با انتشار کتاب «زبان و جایگاه زنان» به صورت علمی اختلافات زبانی زنان و مردان را تشریح کرد و ویژگی‌های گفتار زنان را این‌گونه بر می‌شمارد: ۱- استفاده مکرر از تردید نماها (Hedges «مانند تا حدی») ۲- کاربرد فرم‌های مودبانه‌ی زبان و پرهیز از کاربرد دشواژه‌ها (Taboo words) ۳- استفاده از قیده‌های تشدید کننده (Intensifiers در زبان مثل «خیلی») ۴- استفاده از صفت‌های تهی (Empty Adjectives مثل lovely) ۵- استفاده از نقل قول مستقیم ۶- به کارگیری لغات خاص مثل پارچه بدن نما، ساسون و... ۷- استفاده نکردن از زبان خشن و مردانه ۸- استفاده از گفتار غیر مستقیم برای درخواست. وی در این کتاب به بیان کلیشه‌ای می‌پردازد که نشان می‌دهد مردان بیشتر از زنان مناسب قدرت هستند و جستجوی قدرت و به دست گرفتن آن برای مردان درست و طبیعی است و در مقابل برای زنان این کار عجیب است و سبب می‌شود تا جامعه آن زن را خطرناک و غیر زنانه ارزیابی کند (لیکاف، ۱۹۷۵: ۴۵-۸۰). شازو (R. Shazu، ۲۰۱۴) ارتباط بین زبان (در دو حوزه‌ی واژگان و دستور) و نقش اجتماعی زنان و مردان را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که بین زبان و جنسیت ارتباط نزدیکی وجود دارد و زنان

و مردان با شیوه‌های متفاوتی از زبان استفاده می‌کنند و دلیل این تفاوت، ساختار اجتماع و هنجارهای مورد پذیرش در هر اجتماع و مردمی است که از آن زبان استفاده می‌کنند. شرایط اجتماعی و مسائلی مانند دشواری‌ها در جامعه باعث تفاوت و تنوع زبانی خواهد شد. همچنین نویسنده نتیجه گرفته است که تفاوت سبک گفتار زنان و مردان ریشه‌ی ساختاری دارد و ارتباط نزدیکی بین استفاده از دستور و واژگان و روش‌های استفاده از آنها با توجه به هنجارهای مورد پذیرش در جامعه و نقش اجتماعی مردان و زنان وجود دارد. پریر M. Prieler (۲۰۱۶) به بررسی و تحلیل کلیشه‌های جنسیتی در آگهی‌های تبلیغاتی انگلیسی-اسپانیایی زبان تلویزیون پرداخته است و به این منظور ۳۹۴ آگهی تبلیغاتی انگلیسی و اسپانیایی در سال ۲۰۱۳ را تحلیل کرده و نشان داده‌است که در هر دو نمونه تحلیل، موارد بسیار زیادی از کلیشه‌های جنسیتی دیده می‌شود. به عنوان نمونه، زنان به تصویر در آمده در مقایسه با مردان جوان‌تر هستند و بیشتر در محیط خانه نشان داده شده‌اند. مردان اغلب لباس کامل بر تن دارند در حالیکه در مورد زنان اینگونه نیست. پارک G. Park و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از روش‌های رایانه‌ای و محاسباتی ده میلیون پیام را بین ۵۲۰۰۰ نفر از کاربران فیس بوک Face book از منظر زبان و جنسیت تحلیل کرده و نتیجه گرفته‌اند، کاربرانی که خود را زن معرفی کرده‌اند بیشتر به موضوعاتی چون دوست، خانواده و زندگی اجتماعی پرداخته‌اند؛ در حالیکه افرادی که خود را مرد معرفی کرده‌اند بیشتر درباره‌ی موضوعاتی مانند فحاشی، خشونت و بحث درباره‌ی کالاصحبت می‌کنند. زبان کاربران زن، بینافردی، گرم، دلسوزانه و مؤدبانه‌تر و زبان کاربران مرد، سرد و خشن‌تر است. لازم به ذکر است در پژوهش حاضر به هر دو جنبه‌ی مطالعه‌ی زبان و جنسیت توجه می‌شود.

در پژوهش حاضر، گفتمان کنش‌گران حوزه‌ی حقوق زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد، لذا این امر و شناخت آن در جهت تحلیل علمی و اصولی ضروری است. گفتمان Discourse امری اجتماعی است و متون دارای بار ایدئولوژیکی هستند. گفتمان‌ها نظام‌های معنایی هستند که با بازتعریف پدیده‌ها معانی جدید و در نتیجه ایدئولوژی خلق می‌کنند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۰). گفتمان معمولاً به ساخت یا بافت زبان در مراحل بالاتر از جمله و کارکردهای آن اطلاق می‌شود (پارمحمدی، ۱۳۹۳: ۴-۳). بنابراین تعریف، گفتمان حاصل مطالعه‌ی زبان به مثابه‌ی پدیده‌ای اجتماعی یا رویکرد جامعه‌شناختی به مقوله‌ی زبان است و دلالت بر اجتماعی بودن متن دارد؛ براین اساس، متن در خلال روابط اجتماعی و نه بیرون و مستقل از آن تکوین می‌شود و در تولید، بازتولید و تغییر واقعیت‌های زندگی اجتماعی

سهیم است (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۳). فاسولد R. Fasold (۱۹۹۰: ۶۵) مطالعه گفتمان را مطالعه همه‌ی جنبه‌های زبان می‌داند و براون G. Brown و یول G. Yule (۱۹۸۳: ۱) معتقدند که تحلیل گفتمان تحلیل زبان به هنگام کاربرد است. ون دایک T. A. Van Dijk (۲۰۱۵) در فصلی از کتاب روش‌هایی در مطالعات گفتمان انتقادی به رویکرد جامعه‌شناختی به تحلیل گفتمان پرداخته است و در شرح موضوعات مورد بحث در این رویکرد به گفتمان‌های جنسیت‌زده Sexist و نژادپرستانه Racist اشاره کرده است. وی ذکر می‌کند که رویکرد انتقادی به گفتمان در اصل، اصول اخلاقی را پیش فرض قرار می‌دهد. تحقیقاتی که در این زمینه انجام می‌شود ممکن است به این نتیجه منجر گردد که برخی صورت‌های مسلط در متن یا گفته غیرعادلانه یا نامشروع و ناروا هستند، زیرا به عنوان مثال از حقوق انسانی و اجتماعی تخطی می‌کنند.

موضوع مورد توجه دیگر در این پژوهش گفتمان و شناسایی انواع آن است. در مورد جایگاه خانوادگی و اجتماعی زن در ایران معاصر، گفتمان‌های مطرح و مسلط در جامعه، گفتمان‌های سنتی و تجددگرا و زیرشاخه‌های این گفتمان‌ها هستند که همگی ریشه در فرهنگ و سنت‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی جامعه داشته و در نگرش به زن در نگاه افراد جامعه نقش مهمی ایفا می‌نمایند. نیکخواه قمصری (۱۳۸۴: ۶۵-۱۰۶) معتقد است «گفتمان سنتی» در نگاه کلی که حاصل آمیزش میراث تاریخی و دیدگاه خاصی از مذهب در جامعه‌ی ایران در قرون متمادی است، در این رویکرد، تفوق توانایی‌های مرد بر زن و ناتوانی‌های زن، به عنوان امری طبیعی و مبتنی بر نظام آفرینش معرفی می‌شود. زنان به لحاظ ذهنی و جسمی موجوداتی پایین‌تر از مردان در نظر گرفته شده و حضور اجتماعی زن نیز به صورتی بسیار محدود و کنترل شده مطرح می‌گردد. بر مبنای مطهری (۱۳۵۷: ۱۲۱-۱۲۴) در گفتمان «سنتی مذهبی» عنصر «زن» با جهان بینی دینی و مذهبی پیوند خورده و خود زن نیز در بازتولید این جهان بینی از طریق نهاد خانواده شرکت دارد. در این گفتمان، تساوی حقوق میان افراد به معنای تشابه حقوقی میان آنها نیست بلکه مطابق با اصل عدالت و با توجه به تفاوت‌های موجود در میان زنان و مردان باید برای هر یک حقوقی خاص تدوین شود و تدوین حقوق مشابه برای زن و مرد، در واقع به معنای عدم رعایت عدالت است. گفتمان «سنتی مردسالار» نگاه مردمحوری داشته و در آن مردان سهم بیشتری از مزایای اجتماعی همچون قدرت، ثروت و احترام دارند، در این گفتمان هویت فردی و

شخصیت مستقل زن نادیده گرفته شده و هویت زن، تنها با وجود یک مرد (پدر، همسر، برادر) تعریف می‌شود.

در مقابل نگرش سنتی به زن، «گفتمان تجددگرای نواندیش» قرار می‌گیرد. در این رویکرد مفهوم مدرنیته به شدت با فردیت «زن» پیوند خورده و بر اندیشه‌ی برابری بر اساس ردّ نظام طبیعی مبتنی بر تفاوت ساختار زن و مرد تأکید کرده و نابرابری‌های موجود در میان زن و مرد را ناشی از سازمان جامعه و نه از هیچ‌گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زن و مرد می‌داند (ابوت، ۱۳۷۶: ۲۴۷). در این نگاه مبنای تنظیم روابط اجتماعی و خانوادگی، توجه به هویت فردی و شخصیت مستقل زن است. شکل‌گیری فردیت زنانه (که به لحاظ تاریخی نسبت به فردیت مردانه متأخرتر بوده است) موجب استقلال نسبی زنان از مردان و تغییر نقش جنسی زنان شد، به عبارت دیگر فردیت زنان به معنای استقلال اقتصادی و خودآگاهی آنان و پایان بخشیدن به نگاه زن صرفاً به عنوان مادر، همسر و جنس دوم و به رسمیت شناختن سروری زنان بر بدن خویش است، از این رو رشد فردگرایی در زنان ناگزیر به چالش‌گری علیه پدرسالاری منجر می‌شود. در واقع توجه به هویت و استقلال وجودی و شخصیتی زن و دفاع از حقوق زنان اصلی‌ترین معیار گفتمان تجددگرا نواندیش محسوب می‌شود (درویش‌پور، ۱۳۷۹).

گفتمان انقلاب نیز گفتمان جدید دیگری در مورد زنان است که بعد از انقلاب اسلامی در ایران در موضع قدرت قرار گرفت این گفتمان نگاه و رویکرد تازه و جدیدی به زن در ایران را مطرح می‌کند. گفتمان انقلاب با نگاه به نقش زنان در انقلاب و پیشبرد اهداف مرتبط با آن و برجسته نمودن نقاط ضعف الگوی غربی و معرفی این الگو به عنوان نظامی ناکارآمد و منحرف در خصوص مباحث مربوط به زنان، که به شی گشتگی زنان و ابزاری شدن آنها برای نظام سرمایه‌داری جهانی منجر شده است، می‌پردازد. این گفتمان همچنین ناکارآمدی گفتمان شبه‌مدرنیستی را اثبات می‌کند. این گفتمان هم‌چنین با نقد روندهای عینی جاری در جوامع غربی، ضرورت الگوگیری از غرب را مورد تردید قرار می‌دهد و سپس از طریق نقد سیاست‌زدگی مباحث زنان و با استفاده ابزاری از این مباحث، اعتبار گفتمان شبه‌مدرنیستی را زیر سوال می‌برد (خمینی، ۱۳۸۵: ۳۰۵).

تحلیل گفتمان جنسیتی موضوع پژوهش‌هایی در ایران بوده است ولی هیچ‌یک بر مسائل حقوق زنان تمرکز نداشته‌اند و این موضوع نوآوری پژوهش حاضر است. از مرتبط‌ترین پژوهش‌ها در این موضوع، پژوهش ابراهیمی و ناصحی (۱۳۸۸) است که بازتولید

زبان‌جنسیتی در مجلات عامه‌پسند فارسی در ایران را بررسی کرده و به موضوع تأثیر و استیلای ایدئولوژی گفتمان‌جنسیتی حاکم که درصدد تزیق و بهره‌بری از نگاه جنسیتی خود ساخته است، پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که ذهنیت افراد جامعه، بخصوص زنان، تحت تأثیر ناخودآگاهی است که حامل خواست گفتمان‌جنسیتی حاکم می‌باشد، لذا زنان کنش‌هایی را در پیش می‌گیرند که نه با خواست و باور خودشان، بلکه القا گفتمان‌جنسیتی حاکم است که از آنها به عنوان ابزاری در جهت تولید وضعیت موجود بهره می‌برد. پژوهش دیگر مربوط به محمد ابراهیمی جهرمی و ذاکری (۱۳۸۹) است که ده رمان فارسی را در چارچوب نظریه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کرده و به تمایز گفتمان زنانه و مردانه پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که نویسندگان زن بیشتر از نویسندگان مرد به استفاده از واژگان غیرهسته‌ای و استعاره در بخش واژگان و جمله‌های مجهول، بلند و نقل قول غیرمستقیم در بخش نحو تمایل دارند و نویسندگان این مقاله نتیجه گرفته‌اند که جنسیت هم، همچون عوامل ایدئولوژیکی در نوع متن نقش دارد.

از آنجا که این پژوهش، بر تحلیل گفتمان نظرات موافق و مخالف ورزش و اشتغال زنان تمرکز دارد. به منظور شناسایی گفتمان‌ها، بررسی پیشینه‌ی پژوهش‌های این دو حیطه از منظر جامعه‌شناختی حائز اهمیت است. کار (۱۳۸۴) بردگی زن را به قدمت تاریخ بشریت می‌داند و مبارزات زنان برای رهایی از این بردگی را مانند تمام مبارزات دیگر بردگان در طول تاریخ ادامه‌دار دانسته و برای زنان، کسب استقلال اقتصادی را کلید رهایی آنان در نظر گرفته است. او معتقد است اکثر دختران در خانه‌ی پدر، زیر چتر پشتوانه‌های اقتصادی او نان می‌خورند و در خانه‌ی شوهر نیز همچون پیچک بر دیوار زندگی او، خود را می‌چسبانند و زنده نگه می‌دارند. در این جوامع، نهال آزادی زن جان نمی‌گیرد، زیرا نهادهای حقوقی و سستی، زن را در بازار کار به استناد قانون و یا عرف پس می‌زنند و اگر زن در یک موقعیت کاری قرار گیرد، جای پست‌تر را به آنها پیشنهاد می‌کنند. بختیاری (۱۳۸۸) با تحلیل ساختاری خانواده و با نگاه به تفاوت‌ها در روابط حقوقی، ابعاد مختلف تأثیر اشتغال را بر خانواده و به ویژه بر فرزندان کاویده است. زیبایی‌نژاد (۱۳۸۸) به عوامل پیامدها و رویکردهای اشتغال زنان از نگاه مدیریت اجتماعی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که اشتغال زنان می‌تواند مصلحت‌های مهمی چون تامین نیازهای ضروری خانواده و اجتماع را در پی داشته باشد، چنانکه می‌تواند مخاطراتی را در پی آورد که نباید به سادگی از کنار آنها گذشت. گزارش یونیسف به نقل از ابراهیم‌آبادی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که در بعضی از

کشورها مردان نسبت به زنان، فرصت‌های آموزشی بیشتری داشته‌اند؛ همچنین در جوامع مختلف از جمله ایران، نوجوانان دختر، آزادی و قدرت انتخاب کمتری نسبت به نوجوانان پسر در دستیابی به اوقات فراغت و فرصت‌های شغلی دارند. از دیدگاه اسدی و شعبانی‌مقدم (۱۳۹۲) اجتماع و فرهنگ می‌تواند تاثیر عمیقی بر رفتارهای حرکتی افراد به ویژه در حیطه‌ی ورزش و فعالیت‌های بدنی داشته باشند. در اغلب جوامع، برخی از ورزش‌ها مخصوص پسران و برخی دیگر مختص دختران است، والدین و افراد مهم و مؤثر در اجتماعی شدن کودکان، اغلب آنان را به رفتارهایی تشویق می‌کنند که مناسب یک جنس است و بر اساس ویژگی‌های زیستی آنها بنا شده است، در این راستا، پسران را به سوی فعالیت‌های مردانه و دختران را به سوی فعالیت‌های زنانه سوق می‌دهند. این عمل، رفتار قالبی یا مختص جنسیت خوانده می‌شود. صدیقی و ذکایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به رابطه‌ی زنانگی و ورزش پرداخته‌اند، از نظر آنان زنانگی و ورزش هر دو سازه‌های اجتماعی و رفتارهای فرهنگی هستند و در همبستگی با بستر اجتماعی شکل می‌گیرند. علیپور (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تبعیض جنسیتی در مسابقات المپیک از دیدگاه حقوق بین‌الملل بشر» به نابرابری جنسیتی جهت مشارکت در مسابقات بین‌المللی از جمله مسابقات المپیک و همچنین به بحث حقوق بشر و تبعیض جنسیتی پرداخته است.

۴. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر پس از شناسایی گفتمان مسلط در سخنرانی‌های موافق یا مخالف ورزش و اشتغال زنان، به این موارد پرداخته می‌شود: ۱- بازنمایی زن در گفتمان با بررسی گزاره‌های کلیدی در سخنرانی، نقش‌های اجتماعی و خانوادگی معرفی شده برای زنان از دیدگاه سخنرانان ۲- ارزش‌های نسبت داده شده به زن ۳- باهم‌آیی‌های واژگانی و کاربرد دشواژه‌ها و واژه‌های جنسیتی در گفتمان‌ها.

۱.۴ شناسایی گفتمان‌ها

با تحلیل داده‌های پژوهش از منظر گزاره‌ها و انتخاب‌های واژگانی، گفتمان‌های اصلی سخنرانی‌های موافق و مخالف ورزش و کار زنان به این شرح شناسایی شدند: «گفتمان سنتی» و «گفتمان تجددگرای نواندیش». گفتمان سنتی خود شامل زیرشاخه‌هایی مانند: «

گفتمان سنتی با تکیه بر نهاد خانواده»، «گفتمان سنتی - مذهبی»، «گفتمان سنتی مردسالار» و «گفتمان انقلابی» است. هریک از گفتمان‌های اصلی برای اثبات خود به سایر گفتمان‌ها مانند «گفتمان انقلابی» ارجاع می‌دهند. نهاد خانواده و نقش‌های کلیشه‌ای سنتی تعریف شده برای زنان یعنی همسر و مادر بودن هم در گفتمان موافقان و هم در گفتمان مخالفان مورد تأکید بوده است. علاوه بر این، عناصر گفتمان مذهبی مانند الگو بودن حضرت فاطمه (س) برای زنان در هر دو گفتمان موافق و مخالف ورزش و اشتغال دیده می‌شود.

۲.۴ بازنمایی زن در گفتمان زنان و مردان موافق و مخالف

پس از بررسی متون سخنرانی و تحلیل آنها، یافته‌های پژوهش نشان داد که سخنرانان موافق و مخالف ورزش و اشتغال زنان به صورت مستقیم و غیر مستقیم زن را بیشتر در قالب نقش‌های مادری، همسری، کدبانوگری، خانه‌داری، فرزندآوری، فرزندپروری، تربیت‌کننده‌ی فرزندان، مسئول آرامش مرد و فرزندان، رسیدگی‌کننده به امور خانه، رئیس خانه، موجودی وابسته و تابع مرد تعریف کرده و با تأکید بر تحکیم نهاد خانواده، توجه به فرزندان خانواده و دقت در تربیت آنان، مسئولیت خطیر مادری و همسری را مهمترین وظیفه‌ی زنان دانسته‌اند. نکته مورد توجه اینکه سخنرانان موافق که گفتمان‌های تجددگرا دارند نیز به نقش‌های کلیشه‌ای مادری و همسری برای زن اشاره می‌کنند ولی بر هویت و شخصیت مستقل زن نیز تأکید می‌کنند و حضور اجتماعی او را در کنار مسئولیت مادری و همسری لازم و ضروری و از الزامات پیشرفت و توسعه جامعه دانسته‌اند. در ادامه از هر یک از پیکره‌های مورد بررسی نمونه‌هایی از بازنمایی زن در گفتمان‌های موافق و مخالف ذکر می‌شود: **بازنمایی زن در پیکره‌ی مردان موافق**: ۱- اهمیت مسئله‌ی خانواده و زن به شکل توامان، لزوم برخورداری و توجه به مسائل سلامت، امنیت، آرامش و تکریم زن در محیط خانواده... ۲- زن، مدیر خانواده و مایه‌ی آرامش؛ مایه‌ی آرامش مرد و آرامش فرزندان؛ دختر و پسر... ۳- الزام حضور زنان در همه صحنه‌ها با رعایت شئونات ۴- الزام وجود فرصت‌ها مصونیت و حقوق اجتماعی برابر با مردان برای زنان در اجتماع. **بازنمایی زن در پیکره‌ی زنان موافق**: ۱- به رسمیت شناختن استقلال مالی برای خانم‌ها توسط شرع و قانون (هیچ‌کس نمی‌تواند این حق را از زنان ایرانی سلب کند). ۲- اشاره به صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دسترسی فرصت‌های برابر. ۳- ادامه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان ایرانی با قوت و انگیزه بالا در جامعه. **بازنمایی زن در پیکره‌ی**

مردان مخالف: ۱- وابستگی زن در مسائل اقتصادی به همسرش خواست خداست. ۲- دختران خوب زود ازدواج کنید شما باید در مسائل اقتصادی تابع شوهرانتون باشید، وابسته-ی شوهرانتون باشید، کمک شوهرانتون هم بکنید، پول هم دربیاریدولی پول را بدید دست آقایون، چون اونها مثل قدیم شما را تامین خواهند کرد. ۳- متخصصان امر عقیده دارند که زنان ورزشکار، روحیه زنانه خود را از دست می‌دهند. ۴- زن، همانند گل خوشبوست که باید در منزل یا گل‌خانه مانده و تحت مراقبت دقیق قرار گیرد. گل نباید از گل‌خانه خارج شده و در دسترس همگان باشد، والا پژمرده و پرپر شده، طراوت، زیبایی و بوی خوش خود را از دست خواهد داد. **بازنمایی زن در پیکره‌ی زنان مخالف:** ۱- کار زن، بچه دار شدن و تربیت فرزند و شوهر داری است نه دیدن مسابقات والیبال. یک عده می‌خواهند هر طور که شده به زن نقش‌هایی بدهند که مخالف با وظایف شرعی است. ۲- دلیل ندارد جایی که چند هزار نفر مرد جمع می‌شوند، عده‌ای هم از زنان بروند. اینها زمینه بی‌حرمتی و تجاوز در جامعه است. ۳- آن چیزی که فرزند را تربیت می‌کند حضور فیزیکی مادر به تنهایی نیست. آن چیزی که فرزند را تربیت می‌کند دغدغه‌مندی مادر است. حضور فیزیکی مادر برای فرزند آرامش بخش است، اما علت تامه برای تربیت فرزند نیست.

بازنمایی زن در گفتمان‌های سنتی و تجددگرا در نمودارهای ۱ و ۲ نشان داده شده است. همانگونه که در نمودار ۱ و ۲ قابل مشاهده است هر دو گفتمان موافق و مخالف (تجددگرا و سنتی) بر نقش زن در خانواده (نقش‌های مادری، همسری، کدبانوگری) تأکید می‌کنند. اما، درباره‌ی نقش‌های اجتماعی زن دیدگاه‌های متفاوتی دارند. نقش‌های اجتماعی که در **گفتمان موافق** برای باتوان مناسب دانسته شده بدین شرح است: شاعری، نویسندگی، پژوهشگری، حضور در عرصه‌ی مجاهدتها، عرصه‌های علمی، تحقیقاتی، پژوهشی، ورزشی، حضور در برخی رشته‌های خاص و منحصر به زنان، حضور در رشته‌های پزشکی، مهندسی، بخش‌های دولتی، مشارکت در سطوح مدیریتی و در رأس وزارتخانه‌ها، این سخنرانان از نقش تاثیرگذار زنان در تولید و فرهنگ کشور، تولید فراورده‌های غذایی و کشاورزی، مشارکت در امور اقتصادی خانواده، مشارکت در امور ورزشی و اجتماعی و نقش مؤثر زنان در افزایش فرصت‌های ورزشی بیشتر و کنترل‌کننده و تلطیف‌کننده محیط-های ورزشی، رونق‌دهنده‌ی تیم‌های ورزشی، مشوق کودکان و نوجوانان به ورزش، حضور در کارخانه‌ها و در پیشبرد شرایط علمی، حضور در مبارزات در طول تاریخ، در نهضت‌ها و انقلاب‌ها و حضور و فعالیت در تجارت و کسب و کار الکترونیکی زنان سخن گفته‌اند.



نمودار ۱- بازنمایی زن در گفتمان سنتی

در حالیکه نقش‌های اجتماعی که در **گفتمان مخالف** در صورت لزوم برای زنان مناسب تشخیص داده شده‌اند، به این شرح است: آشنایی، آرایشگری، خبرنگاری، مشارکت در تولید محصولات کشاورزی، صنایع دستی، مشارکت در تولید ناخالص ملی، معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده، معاونت در امور ورزش و جوانان. همچنین این سخنرانان عدم استقلال مالی برای زنان و وابستگی و تبعیت از شوهر را لازم دانسته و از تأثیر ناخوشایند اشتغال زنان بر سلامت روانی خانواده و تضاد کار بیرون از منزل بانوان با فرزندآوری و مغایرت اشتغال زنان با وظایف شرعی آنها سخن گفته و بر خانه‌داری به عنوان یک شغل تأکید نموده‌اند. همچنین تعدادی از این سخنرانان استقلال مالی زنان را موجب به وجود آمدن احساس بی‌نیازی آنان به مردان و در نتیجه سردی روابط زوجین و زمینه‌سازی خیانت مردان به همسرانشان دانسته‌اند، حتی آنان به خارج نشدن زنان از خانه برای خرید اشاره کرده و در رابطه با ورزش نیز انجام ورزش‌های ظریف و زنانه را توصیه نموده‌اند. به این ترتیب، در مجموع به نظر می‌رسد که مخالفان ورزش و اشتغال زنان نقش‌های اجتماعی محدودتری را برای زن متصور هستند و همه مشاغل را زنانه و مناسب زن

نمی‌دانند. علاوه بر این، در صورتی اشتغال زن را تأیید می‌کنند که با هدف کمک به شوهر باشد و نه کسب استقلال مالی برای زن. همچنین این سخنرانان برای اقناع مخاطب به گفتمان مذهبی و شرع ارجاع می‌دهند.



نمودار ۲- بازنمایی زن در گفتمان تجددگرا نواندیش

در ادامه‌ی کار پژوهش، تأثیر جنسیت سخنران بر بازنمایی زن نیز مورد بررسی قرار گرفت. نقش‌های اجتماعی که در گفتمان سخنرانان مرد برای زنان مناسب تشخیص داده شدند با نقش‌هایی که مخالفان ورزش و اشتغال برای زنان مطرح نمودند هم‌پوشانی داشته و آنان نیز مشاغلی مانند شاعری، نویسندگی، پژوهشگری، آشپزی، آرایشگری را برای بانوان مناسب دانسته و عدم استقلال مالی برای زنان و وابستگی و تبعیت از شوهر را

ضروری تلقی کرده و از تأثیر ناخوشایند اشتغال زنان بر سلامت روانی خانواده و تضاد اشتغال زنان با فرزندآوری، سخن گفته‌اند، همچنین آنان به خارج نشدن زنان از خانه حتی برای خرید اشاره کرده‌اند. مردان سخنران در رابطه با ورزش، انجام ورزش‌های ظریف و زنانه را توصیه نموده و زنان را کنترل‌کننده و تلطیف‌کننده محیط‌های ورزشی، رونق‌دهنده تیم‌های ورزشی، مشوق کودکان و نوجوانان به ورزش قلمداد نموده‌اند و به حضور زنان در کارخانه‌ها، فعالیت در پیشبرد شرایط علمی، حضور در مبارزات در طول تاریخ، در نهضت‌ها و انقلاب‌ها و فعالیت در تجارت و کسب و کار الکترونیکی نیز اشاره داشته‌اند. نکته مورد توجه دیگر اینکه نقش‌های اجتماعی که در گفتمان سخنرانان زن برای زنان مناسب تشخیص داده شده با نقش‌هایی که موافقان ورزش و اشتغال زنان مطرح نمودند هم‌پوشانی داشته و آنان نیز مشاغلی مانند خبرنگاری، ورزشکار حرفه‌ای و هوادار ورزش بودن را مشاغل مناسب برای زنان اعلام نموده و از نقش تاثیرگذار بانوان در تولید و فرهنگ کشور، تولید فراورده‌های غذایی و کشاورزی، مشارکت در امور اقتصادی خانواده، مشارکت در سطوح مدیریتی و در راس وزارتخانه‌ها، مشارکت در امور ورزشی و اجتماعی، حضور در معاونت‌های ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده، ورزش و جوانان سخن گفته و بر خانه‌داری به عنوان یک شغل تأکید کرده‌اند، تعدادی از سخنرانان زن، شاغل بودن زنان را مخالف با وظایف شرعی آنان تلقی کرده اما در مقابل گروهی دیگر بر حضور و فعالیت زنان در همه‌ی عرصه‌ها، در اداره‌ها، سازمان‌های دولتی و خصوصی، و مشارکت در توسعه پایدار کشور و در روند توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی جامعه و بستر سازی محیط و مشارکت در تولید محصولات کشاورزی، صنایع دستی و در تولید ناخالص ملی تأکید نموده‌اند.

در مجموع به نظر می‌رسد زنان مخالف اشتغال از ارجاع به وظایف شرعی زن برای اقناع مخاطب استفاده می‌کنند. برخی نیز خانه‌داری را شغل زن در نظر می‌گیرند. زنان موافق اشتغال، هیچ محدودیتی برای زن از نظر نوع شغل قائل نیستند و معتقدند زنان در همه سطوح مدیریتی و معاونت هم می‌توانند به خوبی ایفای نقش کنند. از سوی دیگر مردان دسته‌بندی جنسیتی برای مشاغل قائل هستند و برخی مشاغل را برای زنان مناسب نمی‌دانند مانند مهمانداری هواپیما! و برخی مشاغل را مناسب‌تر می‌دانند مانند آشپزی و آرایشگری. در عین حال در حیطه‌ی ورزش صرفاً مردان هستند که راجع به ظرافت زن و اندام زنانه

سخن به میان آورده‌اند. همچنین، تشویق زن به تابع شوهر بودن و وابستگی به شوهر نیز تنها در گفتار مردان دیده شده است.

۳.۴ ارزش‌های ذکر شده برای زن در گفتمان

با بررسی پیکره‌ی پژوهش، صفات و ویژگی‌هایی که به عنوان ارزش برای زن در دو گفتمان موافق و مخالف ورزش و کار زنان مورد تأکید بوده‌اند، شناسایی شدند. منظور از ارزش در این بخش ویژگی‌هایی است که بازتاب‌دهندی باور سخنران یا انتظارات جامعه از یک «زن خوب» است. همانطور که مشاهده می‌شود در اینجا نیز برخی صفات بین گروه موافق و مخالف مشترک است، مانند همسر داری و تربیت خوب فرزندان و پیروی از حضرت فاطمه (ع) به عنوان الگوی برتر زنان. در مواردی نیز دو دیدگاه متفاوت در دو گفتمان رقیب تأیید شده‌اند. در گفتمان موافقان تأکید بر اهمیت رشد فردی و نقش اجتماعی زن است. استقلال زن از ویژگی‌های مثبت او به‌شمار می‌رود. در گفتمان مخالفان اما، استقلال مالی زن و شاغل بودن او باعث خرد شدن غرور مرد و آسیبی بر توازن قدرت در خانواده به‌شمار می‌رود؛ تا آنجا که در برخی سخنرانی‌ها به زنان توصیه شده است در آمدشان را در اختیار شوهرانشان قرار دهند تا غرور شوهر نشکند و جایگاه وابسته‌ی زن به شوهر حفظ شود. نتایج بررسی ارزش‌های نسبت داده شده به زن در گفتمان‌های موافق و مخالف ورزش و اشتغال زنان در نمودارهای ۳ و ۴ نشان داده شده است.



نمودار ۳- زن در گفت‌وگو مخالفان ورزش و کار زنان

واژه‌هایی که صرفاً در گفت‌وگو مخالفان مشاهده شده‌اند، به این شرحند: شوهرداری، مطلوب مرد بودن، وابسته و تابع شوهر بودن، کمک حال شوهر، ظرافت و اندام زنانه داشتن و عدم استقلال مالی و اقتصادی. واژه‌هایی که صرفاً در گفت‌وگو موافقان دیده شده‌اند، به این شرحند: زن در رأس حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و دولتی، زن و تهیه‌ی غذای سالم، لزوم برخورداری از سواد ورزشی، حضور در عرصه‌های ورزشی و افتخارآفرینی در مجامع بین-المللی، مبارزه با استبداد و ستم در طول تاریخ، حجاب کامل، تعهد، تقوا و کرامت.

در ادامه نمونه‌هایی از بافت رخداد این واژه‌ها در متن سخنرانی‌ها ارائه می‌شود: **پیکره‌ی مردان موافق:** ۱- تقوای حضرت فاطمه (ع) -، عفت و طهارت، مجاهدت، شوهرداری، فرزندداری، سیاست‌فهمی و حضور او در مهم‌ترین عرصه‌های حیات یک انسان در آن دوره هرکدام یک درس است. ۲- امروز زنان ما در تمام صحنه‌ها با وقار، کرامت، شخصیت و داشتن عفاف مانند مردان فعالیت می‌کنند. **پیکره‌ی زنان موافق:** ۱- افزایش سطح تحصیلی و مهارتی زنان باعث افزایش جمعیت زنان شاغل در جامعه ایران در سال‌های اخیر شده است. ۲- زنان ایرانی با قوت و انگیزه بالا به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خود ادامه می‌دهند و برای افزایش توانمندی‌های خود تلاش می‌کنند. **پیکره‌ی مردان مخالف:** ۱- زن کمک شوهرش می‌کند و کار مقتضی جنس و شخصیتش انجام می‌دهد اما پا روی دستور دین نمی‌گذارد. ۲- دختران خوب زود ازدواج کنید شما باید در مسائل اقتصادی تابع شوهرانتان باشید، وابسته‌ی شوهرانتان باشید. **پیکره‌ی زنان مخالف:** ۱- خانمی که در تولید برنج نقش دارد، خانمی که در صنایع دستی فعالیت می‌کند، خانمی که در تولید زعفران نقش دارد و... یک زن شاغل است و شغل او بسیار ارزنده است. ۲- زن وظیفه مادری خود را قربانی شغل خود نمی‌کند و این مسئله بسیار حائز اهمیت است.



نمودار ۴- زن در گفتمان موافقان ورزش و کار زنان

۴.۴ باهم‌آیی واژگانی

فرث (Firth ۱۹۷۵) نخستین بار اصطلاح باهم‌آیی را در زبان‌شناسی نوین مطرح کرد، وی بر این باور بود که معنای هر واژه از طریق واژه‌های هم‌نشین با آن واژه مشخص می‌شود. در این پژوهش، منظور از باهم‌آیی، هم‌نشینی واژه‌ی زن با واژه‌های دیگری است که می‌توانند اسم یا صفت باشند. در واقع، باهم‌آیی واژگانی در این پژوهش، واژه‌ی کانونی با صفات، اسامی با بار مثبت و یا منفی مهم‌ترین ویژگی نگاه سخنران به «زن» و موضوعات مرتبط با او می‌باشد. در بررسی ترکیبات واژگانی و بسامد وقوع واژگان در متون سخنرانی، یافته‌های

پژوهش نشان داد که ترکیبات واژگانی و هم‌نشینی کلمات با واژه‌ی محوری «زن» و «خانم» در گفتار موافقانرا می‌توان به این شرح دسته‌بندی کرد: ۱- توانایی‌های زنان: زن فرزانه، ممتاز، برجسته، تحصیل کرده، زن توانمند، زن ورزشکار، شیر زن، زن آگاه، زن مشارکت‌جو، خانم تحصیل کرده، خانم با استعداد، خانم خوش‌قلم، خانم خوش‌قریحه. ۲- مسائل زنان: ارتقاء زنان، احترام کار زن، امنیت زن، ظلم به زن، حضور زنان، جامعه زنان، مسائل زنان، اشتغال زنان، ورزش زنان، حقوق زنان، فعالیت اجتماعی زنان، جامعه ورزشی زنان، عروج زن، آزادی زن، تکریم زن، سکینه‌ی روحی زن، تعالی زن، زن شاغل، نقاط قوت زنان و زن بازیچه و ابزار دست مردان، زن فقیر ۳- ارزش‌های دینی و معنوی زنان: زن مسلمان مجاهد، با ایمان، شریف، خانم محترم. در گفتار مخالفان علاوه بر رخداد واژه «دختر خانما» برای واژه‌های هم‌نشین می‌توان این دسته بندی را ارائه داد: ۱- دسته بندی شغلی زنان: منشی زن، زن خانه‌دار، زن بیکار، خانم خانه‌دار، خانم مدیر، خانم معلم. ۲- مسائل زنان: مسائل اقتصادی زنان، زن سرپرست خانوار، زن شاغل، جایگاه زن، زن معترض، حضور زنان، بیمه‌ی زنان، مسابقات زنان. ۳- توانایی‌های زنان: زن کوهنورد، زن ورزشکار.

دسته‌بندی باهم‌آیی‌های واژگانی در گفتار زنان به این شرح است: ۱- مسائل زنان: فراکسیون زنان، حضور زنان، حوزه زنان، اشتغال زنان، زن سرپرست خانوار، بهداشت و سلامت زنان، ورزش زنان، زن و خانواده، زن فقیر، سوءگیری زنان، جامعه ورزشی زنان، بیمه زنان خانوار، زن خانه‌دار، زن شاغل، فعالیت زنان، زن بیکار و ۲- توانایی‌های زنان: زن توانمند، توانمندی زنان، نقاط قوت زنان و زن ورزشکار. در گفتار مردان دسته‌بندی باهم‌آیی‌های واژگانی به این شرح است: ۱- مسائل زنان: فعالیت‌های اجتماعی زنان، حضور زنان، تکریم زنان، مسائل اقتصادی زنان، زن سرپرست خانوار، عروج زنان، آزادی زنان، تعالی زنان، حقوق زنان، زن بازیچه و ابزار مردان، جایگاه زنان، زن معترض. ۲- دسته‌بندی شغلی زنان: منشی زن، زن تعلیم‌گر، زن آموزگار، زن مدرس دانشگاه، ۳- ارزش‌های دینی و معنوی زنان: زن مومن، زن مسلمان مجاهد، با ایمان، شریف، خانم محترم، ۴- توانایی‌های زنان: زن شاغل، زن کوهنورد، حضور زنان، موقعیت زنان، زن زحمتکش، احترام کار زن، خانم محترم، خانم با استعداد، خانم تحصیل کرده، مسلمان، تحصیل کرده، برجسته، خوش‌فکر، فرزانه، زن جوان.

پربسامدترین ترکیب‌ها در گفتار سخنرانان موافق و مخالف به این شرحند:

پربسامدترین ترکیب‌ها در گفتار سخنرانان موافق: مسائل زنان، تکریم زنان، حضور زنان، اشتغال و ورزش زنان، فعالیت زنان، حقوق زنان، پربسامدترین ترکیب‌ها در گفتار سخنرانان مخالف: زنان و خانواده، حضور زنان، زنان و بانوان خانه‌دار، زنان شاغل می‌باشند. پربسامدترین ترکیبات واژگانی در گفتار سخنرانان زن ترکیبات: مسائل زنان، حضور زنان، اشتغال و ورزش زنان، فعالیت زنان، زنان و خانواده و پربسامدترین ترکیبات واژگانی در گفتار سخنرانان مرد ترکیبات: مسائل زنان، حضور زنان، اشتغال و ورزش زنان، فعالیت زنان، تکریم زنان است.

۵.۴ کاربرد دشواژه‌ها و کلیشه‌ها و واژه‌های جنسیتی

دشواژه‌ها در واقع کلماتی هستند که صورت و مفهوم خوشایندی ندارند و اعضای یک جامعه از به‌کاربردن آنها به صورت مستقیم و صریح پرهیز می‌کنند. منظور از واژه‌های جنسیتی در این پژوهش، مفاهیم و واژه‌هایی است که نگرش نسبت به زن و مرد را بازتاب می‌دهد و در مواردی به کلیشه تبدیل شده‌اند.

۱.۵.۴ تأثیر گفتمان موافق و مخالف بر کاربرد دشواژه و واژه‌های جنسیتی

همانطور که پیشتر نیز نشان داده شد، نقش‌های کلیشه‌ای زنان در هر دو گروه موافق و مخالف مورد تأیید بوده است. این نقش‌ها در گفتمان موافقین به این شرحند: شوهرداری و فرزندداری، خانم خانه‌دار، وظیفه مادری، بارداری، فرزندآوری، زن مایه‌ی آرامش خانه، مایه‌ی آرامش مرد، مایه‌ی آرامش فرزندان. در سخنرانی‌های موافقان وجود تبعیض جنسیتی انکار نمی‌شود و در کاربرد عباراتی مانند تجاوزات و حشتناک علیه زنان، جنس درجه دو، شکاف جنسیتی، اشتغال زنان، نگاه جنسیتی، تفکیک جنسیتی، عینک جنسیتی، تبعیض جنسیتی، زنان بازیچه و ابزار دست مردان، نابرابری‌های جنسیتی، خشونت فرهنگی، فرهنگ تبعیض خودنمایی می‌کند. در عین حال در گفتار این سخنرانان به ارزش‌های معنوی زن و حقوق او اشاره شده است: عفت و طهارت زن، عفت و حجاب، آزادی مشروع اسلامی زن. در عین حال سخنرانان به برخی از دشواژه‌های جنسیتی نیز اشاره کرده‌اند: چشم هرزه‌ی هوس‌آلود مرد، تجاوزات جنسی، تجاوزان جنسی، شغل روسپی‌گری، روسپی‌خانه، دلالان جنسی.

نقش‌های کلیشه‌ای در **گفتمان مخالفان** ورزش و کار زنان تعلق بیشتری به گفتمان سنتی مردسالار دارند: زن وابسته به شوهر، زن تابع مرد، خوشایند مرد بودن، زنان خانه‌دار، وظایف بچه‌داری، کار زن بچه دار شدن است، تربیت فرزند و شوهرداری. همچنین در گفتار این سخنرانان عباراتی دیده می‌شود که نشان می‌دهد مرد باید برای زن تصمیم بگیرد: سخت گرفتن حجاب برای ایشان، زن را مسلط مکن، باز شدن پای زن به کار. همچنین تقسیم‌بندی‌های جنسیتی مشاغل در گفتمان مخالفان دیده می‌شود. در عین حال ارزش‌های معنوی و نیز صفات پسندیده جنسیتی در گفتمان مخالف متعدد و در مواردی افراطی است و تنها در گفتمان مخالفان اهمیت زیبایی، جوانی و ظرافت اندام زن با نگاهی جنسیتی آورده شده است: زیبایی زن و فلان مشتری، بهره‌بری اقتصادی، منشی خوشگل، ورزش‌های ظریف و زنانه، لطف زنانه، صفت زنانه، بد ترکیب و زشت، زیبایی اندام، زیبایی اندام و برجستگی‌های زنانه، اندام و جثه‌ی درشت و قوی مردانه، زن گل است و قهرمان نیست. در ضمن ضرورت ازدواج برای زنان در سن پایین در گفتمان این سخنرانان مورد تأکید است: دختران بالای سی سال، ناامیدی از ازدواج، دختران خوب و ازدواج زود. همچنین دشواژه‌هایی در حوزه‌ی ازدواج و روابط جنسی در این گفتمان دیده می‌شود: سرویس دهی به مرد، بهره بردن از رابطه‌ی جنسی، زنا، ازدواج موقت، کارکرد جنسی، نکاح، همراه جنسی، برهنه، غریزه جنسی، خطبه ازدواج، حال بردن، عنصر مردانگی، همه نوع مسائل جنسی، انواع و اقسام حرام و حلال مسائل جنسی، بهره‌بری جنسی.

۲.۵.۴ تأثیر جنسیت در به‌کارگیری دشواژه‌ها و واژه‌های جنسیتی

در سخنرانی‌های زنان نقش‌های کلیشه‌ای مادری و همسری برای زنان پذیرفته شده و در عین حال، عباراتی که نشان‌دهنده پذیرفتن وجود تبعیض جنسیتی است در گفتار آنان بکار رفته است، عباراتی مانند: شکاف جنسیتی، بحران اشتغال زنان، نگاه جنسیتی، تفکیک جنسیتی، عینک جنسیتی، تبعیض جنسیتی نابرابری‌های جنسیتی. اما سخنرانان زن یا از دشواژه‌ها استفاده نکرده و یا بسامد وقوع این کلمات در گفتار آنان بسیار پایین است، برای نمونه می‌توان گفت از میان دشواژه‌های جنسیتی تنها واژه «تجاوز» در سخنرانی‌های زنان به کار رفته است. در مقابل سایر نمونه‌هایی که از واژه‌های جنسیتی و دشواژه‌ها معرفی شدند، همه در گفتار مردان به کار رفته‌اند. ارجاع به غریزه جنسی در مردان و نقش زن در برآوردن نیازهای جسمی و روحی مردان اصلی‌ترین ابزار مخالفین برای اقناع مخاطب است.

۶.۴ تحلیل کمی

داده‌های پژوهش که در جدول ۱- نشان داده شده‌اند، به شیوه کمی نیز تحلیل شدند. در تحلیل کمی، با استفاده از نرم‌افزار ورداسمیت پربسامدترین واژه‌های محتوایی در خرده پیکره‌های مورد بررسی مشخص شدند.

جدول ۱ - پیکره پژوهش

تعداد واژه	تعداد متن	سخنران	
۳۳۱۵	۴	موافق	زن
۳۸۹۲	۴	مخالف	
۷۲۰۷	۸	مجموع	
۷۳۳۵	۴	موافق	مرد
۲۳۷۹	۴	مخالف	
۹۷۱۴	۸	مجموع	

بررسی تأثیر متغیر جنسیت بر انتخاب‌های واژگانی و فراوانی واژه‌های محتوایی در قالب جدول‌هایی مانند شماره ۲ - بررسی شد.

جدول ۲- واژه‌های پربسامد (سخنرانان زن و مرد)

ردیف	واژه	سخنران	فراوانی	دزصد
۱	زن / زنان	زن	۱۹۰	۲/۶۳
		مرد	۹۳	۰/۹۶
۲	بچه / فرزند	زن	۶۹	۰/۹۴
		مرد	۳۶	۰/۳۷
۳	مادر / مادری	زن	۳۳	۰/۴۶
		مرد	۲۱	۰/۲۰
۴	همسر / همسری	زن	۸	۰/۰۸
		مرد	۱۰	۰/۱۰
۵	خانم	زن	۴۱	۰/۵۷
		مرد	۱۸	۰/۱۸
۶	خانه / خانواده	زن	۴۴	۰/۶۱
		مرد	۶۶	۰/۶۸

۰/۴۸	۳۵	زن	تربیت	۷
۰/۰۴	۴	مرد		
۰/۴۹	۳۶	زن	باید/ نباید	۸
۰/۶۸	۶۸	مرد		
۰	۰	زن	عفت / عفاف	۹
۰/۰۵	۵	مرد		
۰/۱۸	۱۳	زن	مسلمان/ اسلام	۱۰
۰/۵۳	۵۳	مرد		
۰	۰	زن	انقلاب	۱۱
۰/۲۰	۲۰	مرد		
۰/۱۱	۸	زن	فاطمه زهرا	۱۲
۰/۲۵	۲۵	مرد		

نتایج نشان می‌دهد که پربسامدترین واژه‌های بکار رفته در **گفتار سخنرانان زن**، کلمات زن، بچه و فرزند، خانم، مادر و مادری، تربیت، شغل، کار، ورزش، شوهر و در **گفتار سخنرانان مرد** کلمات زن، بانوان، خانه و خانواده، باید و نباید هستند. واژه‌های ایدئولوژیک مانند عفت و عفاف، مسلمان، اسلام، انقلاب، فاطمه زهرا، شهید، غرب و غربی در گفتار مردان بسامد وقوع بالاتری دارند. این کلمات در گفتار زنان یا دیده نمی‌شود و یا بسامد وقوع آنها پایین است. واژه‌های جنسیتی و دشواژه‌ها مانند روسپی‌گری، اندام، بازیچه، تجاوز، اوباش‌گری در گفتار زنان دیده نمی‌شود و یا بسامد وقوع آنها بسیار پایین است. این کلمات در سخنرانی مردان دیده شده اما بسامد وقوع آنها بالا نیست.

مقایسه پیکره‌ی سخنرانان زن و مرد نشان می‌دهد که واژه‌های عفت / عفاف و انقلاب تنها در سخنرانی‌های مردان رخداد داشته است. در عین حال، واژه‌های اسلام/مسلمان در سخنرانی‌های زنان ۱۳ بار و در سخنرانی‌های مردان ۵۳ بار رخداد داشته است.

انتخاب‌های واژگانی با توجه به دیدگاه موافق یا مخالف ورزش و کار زنان نیز به همین شیوه بررسی شدند. نتایج نشان می‌دهند پربسامدترین واژه‌های بکار رفته در گفتار موافقان به این شرحند: زن/زنان، خانه/خانواده، شغل/کار، ورزش/ورزشی، باید/نباید، مسلمان/اسلام، فاطمه زهرا، جنس / جنسیتی، شوهر/مرد، بانو/ بانوان بوده است. پربسامدترین کلمات در گفتار مخالفان کلمات زن، خانم، مادر و مادری، تربیت، بچه/ فرزند، همسر/همسری هستند. نکته جالب توجه این است که واژه‌های ایدئولوژیک مانند عفت و عفاف، مسلمان، اسلام، انقلاب، فاطمه زهرا، شهید، غرب و غربی، در گفتار موافقان بسامد وقوع بالاتری دارند.

بالاتر بودن بسامد واژه‌های ایدئولوژیک و برگرفته از گفتمان انقلابی را شاید بتوان این‌گونه تعبیر کرد که سخنران سعی دارد از هژمونی گفتمان انقلابی برای اقناع مخاطب استفاده کند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

داده‌های پژوهش شامل ۱۶ متن سخنرانیمربوط به کنش‌گران زن و مرد، موافق و مخالف اشتغال و ورزش زنان از منظر جنسیت به شیوه‌ی کمی و کیفی تحلیل شدند تا مشخص شود این افراد در بسترهای فرهنگی و اجتماعی چه نوع گفتمانی را تأیید و تشویق می‌کنند و برای اقناع مخاطب به چه گفتمان‌هایی ارجاع می‌دهند. داده‌ها نشان می‌دهد که دو گفتمان اصلی سستی و تجددگرا نواندیش در این میان در رقابت بودند. گفتمان سستی خود به زیر شاخه‌های سستی مردسالار، سستی مذهبی، سستی انقلابی، سستی خانواده محور قابل تقسیم است. نقطه اشتراک گفتمان تجددگرا و سستی در بازنمایی زن در نقش‌های کلیشه‌ای «مادری و همسری» و نیز الگو قرار دادن شخصیت‌های مذهبی چون حضرت فاطمه زهرا (س) می‌باشد. مهم‌ترین تفاوت این دو گفتمان در نقش‌های اجتماعی است که برای زن در نظر می‌گیرند. در گفتمان تجددگرا بر نقش زن در تمامی عرصه‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی و در جایگاه مدیریتی تأکید می‌شود، اما در گفتمان سستی، نقش‌هایی چون آرایش‌گری، آشپزی، مشارکت در صنایع دستی و کشاورزی برای زن مناسب معرفی می‌شوند. با بررسی گفتمان کنش‌گران موافق و مخالف ورزش و اشتغال زنان در مجموع ۴ حوزه‌ی کلی شناسایی شد که سخنرانان با توجه به تعلقشان به گفتمان موافق و مخالف تجددگرا و سستی به این موارد از منظر خود ارجاع داده‌اند: ۱- مسائل زنان، ۲- توانایی‌های زنان، ۳- دسته‌بندی‌های شغلی، ۴- ارزش‌های دینی و معنوی.

تحلیل کمی پیکره‌ی سخنرانان زن و مرد و بررسی تاثیر جنسیت در انتخاب‌های واژگانی نشان داد که (۱) واژه‌های ایدئولوژیک مانند عفت و اسلام و مسلمان و استفاده از کلمات «باید و نباید» تنها در سخنان مردان و واژه‌های زن و فرزند در سخنرانی‌های زنان بسامد وقوع بالاتری داشته‌اند. ارجاع به گفتمان انقلاب و شرع از سوی مردان بیشتر صورت گرفته است. (۲) مقایسه‌ی کمی پیکره‌های موافقین و مخالفین نشان داد که واژه‌های ایدئولوژیک مانند عفت و عفاف، مسلمان، اسلام، در گفتار موافقان بسامد وقوع بالاتری دارند. بالاتر بودن بسامد وقوع چنین واژه‌هایی در جهت هژمونی گفتمان انقلابی برای اقناع مخاطب صورت می‌گیرد. (۳) بررسی کلیشه‌های جنسیتی در گفتار موافقان و مخالفان نشان

داد که کهدر گفتار مردان مخالف، زن بیشتر در قالب کلیشه‌های سنتی - جنسی مانند «برآورده کننده‌ی نیازهای عاطفی و غرایز جنسی مردان» تعریف می‌شود. (دشوازه‌ها در حوزه‌ی ازدواج و روابط جنسی، تقسیم‌بندی‌های شغلی تنها در گفتار مردان مخالف دیده شده، همچنین در این گفتمان به اموراتدواج دختران در سن پایین و عدم استقلال مالی زنان تشویق صورت گرفته است. سخنرانان مخالف، با تفکر غالب مردسالاری بر نقش نان‌آوری مردان با هدف به حاشیه راندن فردگرایی و استقلال مالی زن تأکید کرده‌اند و با تشویق و ترغیب دختران بر ازدواج زودهنگام، بر اهمیت تبعیت و وابستگی آنها به همسرانشان در تمامی امور از جمله مسائل اقتصادی تأکید کرده‌اند. یکی از سخنرانان وابستگی زنان به مردان در امور اقتصادی را «خواستهای خدا» دانسته و با استفاده از آیات قرآن و تأکید بر ارزش‌ها و باورهای تربیت اسلامی و هژمونی مسلط در جامعه در راستای باور و ایدئولوژی مسلط به قطب‌بندی میان رویکرد تربیت اسلامی و رویکرد «دیگران» پرداخته است. تعدادی از این سخنرانان رفتن به ورزشگاه و شاغل شدن را مغایر با وظایف شرعی زنان می‌دانند. در نگرش سخنرانان مخالف ورزش، دو سازه‌ی اجتماعی «زنانگی» و «ورزش» و رفتارهای فرهنگی مرتبط با آنها در مقابل یکدیگر قرار داده شده‌اند. (۵) اشاره به تکریم زن و توانایی‌های ذهنی و ارزش‌های معنوی زنان تنها در سخنان مردان موافق دیده شده است. سخنرانان زن و مرد موافق به برابری زن و مرد در مقام انسان و تقدم هویت انسانی بر هویت جنسیتی و نقش پررنگ و موثر زنان در عرصه‌های اجتماعی و ورزشی و در انتقال فرهنگ ورزشکاری و ورزش دوستی به فرزندان و اعضای خانواده و خانوادگی شدن محیط ورزش برای مبارزه با اوباش‌گری و فحاشی تأکید می‌کنند و ارتقاء جایگاه زنان و راه‌یابی آنان به سطوح مدیریتی و جایگاهی برابر با مردان را ضروری می‌دانند. به باور موافقین ورزش و اشتغال زنان برابری و عدالت جنسیتی و فراهم آوردن فرصت‌ها و امکانات برابر برای زنانو توجه به فردیت و هویت مستقل آنها از ارکان ضروری برای توسعه کشور است. نگارنده به یقین می‌داند تربیت انسان‌هایی شایسته، جویای صلح و آشنا به حقوق انسانی تنها در سایه توجه مسئولین امور به سلامت روحی، جسمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی زنان و افزایش دسترسی بانوان جامعه به فرصت‌های برابر شغلی، ورزشی، اجتماعی و فرهنگی میسر است.

کتاب‌نامه

- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران: نشر علمی.
- ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۹۲). «رویکردی میان‌رشته‌ای به سبک زندگی با نگاهی به جامعه‌ی ایران»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۳، صص: ۵۳-۳۳.
- ابراهیمی، قربانعلی؛ ناصحی، حسن (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان باز تولید زبان جنسیتی در مجلات عامه پسند فارسی در ایران»، زن در فرهنگ و هنر، دوره اول، شماره، صص: ۶۰-۳۳.
- ابوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۷۶)، درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر.
- اسدی، حسن؛ شعبانی مقدم، کیوان (۱۳۹۲) «مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های همگانی، تهران: دانشگاه تهران.
- بختیاری، آمنه (۱۳۸۸) «تأثیر اشتغال زنان بر خانواده (با تاکید بر فرزندان)»، منتشر شده در کتاب اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفتگوها)، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، صص: ۲۰۶-۱۶۶.
- پاک نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱). نابرابری جنسیتی در ایران: فرادستی و فرودستی در زبان، تهران: گام نو.
- خمینی، سید روح اله (۱۳۸۵)، صحیفه امام (۲۲ جلد)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم).
- داوری اردکانی، نگار؛ عطار، عطیه (۱۳۸۷) «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت»، مجله مطالعات راهبردی زنان، سال یازدهم، ش ۴۲، صص: ۱۸۱-۱۶۲.
- زعفرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت اشتغال زنان در ایران»، منتشر شده در کتاب اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفتگوها)، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، صص: ۳۲۳-۲۸۳.
- زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). اشتغال زنان؛ عوامل، پیامدها و رویکردها (از نگاه مدیریت اجتماعی). قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- شکیبا، نوشین (۱۳۸۶) «تأثیر بافت اجتماعی بر کاربرد دشواژه‌ها در گفتار زنان و مردان تهرانی»، مجله زبان و زبان‌شناسی، دوره ۳، شماره ۶، صص: ۱۵۵-۱۴۱.
- صدیقی، سعیده؛ ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۴). «زنانگی و ورزش»، فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان-شناختی زنان (دانشگاه الزهرا)، دوره ۱۳، شماره ۲، صص: ۹۲-۶۷.
- علیپور، خاطره (۱۳۹۴)، تبعیض جنسیتی در مسابقات المپیک از دیدگاه حقوق بین الملل بشر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، راه دراز گذار، تهران: فرهنگ و اندیشه.

بازنمایی زن در گفت‌وگو کنش‌گران حقوق زنان در ایران ۱۹۱

- کار، مهرانگیز (۱۳۷۸). زنان در بازار کار ایران، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- محمد ابراهیمی جهرمی، زینب؛ ذاکری، طاهره (۱۳۸۹). «مطالعه‌ی تفاوت‌های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت»، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، ش ۳، صص: ۳۷-۲۳.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۳). در آمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: نشر صدرا، چاپ اول.
- نیکخواه قمصری، نرگس (۱۳۸۴)، تحول نگرش نسبت به زن و تاثیر آن در انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- وارداف، رونالد، (۱۳۹۳). در آمدی بر جامعه‌شناسی زبان. ترجمه رضا امینی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Brown, G., Gillian, B., & Yule, G. (1983). *Discourse analysis*. Cambridge university press.

Cameron, D., Bergvall, V. L., Bing, J. M., & Freed, A. F. (1996). *The language-gender interface: challenging co-optation*.

Fasold, R. W. (1990). *The sociolinguistics of language* (Vol. 2). Blackwell Pub.

Firth J.R. (1957). A synopsis of linguistic theory 1930-1955. In *Studies in Linguistic Analysis*. Oxford: Philological Society: 1-32.

Labov, W. (1966). *The Social Stratification of New York City*. Washington D.C. Center for Applied Linguistics.

Lakoff, R. (1975). *“Language and Women’s Place”*, New York, Harper & Row.

Park, G., Yaden, D. B., Schwartz, H. A., Kern, M. L., Eichstaedt, J. C., Kosinski, M. & Seligman, M. E. (2016). Women are warmer but no less assertive than men: Gender and language on Facebook. *PLoS one*, 11(5), e0155885.

Prieler, M. (2016). Gender stereotypes in Spanish-and English-language television advertisements in the United States. *Mass Communication and Society*, 19(3), 275-300.

Shazu, R. I. (2014). Relationship between Gender and Language. *Journal of Education and Practice*, 5(14), 93-100.

Tannen, Deborah (1990). *You Just Don’t Understand: women & Men in Conversation*. Virago Press.

Van Dijk, T. A. (2015). Critical discourse studies: A sociocognitive approach. *Methods of critical discourse studies*, 63-74.

Wodak, R. (1997). ‘Introduction: some important issues in the research on gender and discourse’.

. Wodak (ed.) *Gender and Discourse*. London and Thousand Oaks, CA: Sage, 1–20.